

قتال بتری است برای رشد رتعالی انسان که اورا

سوی تحقق عمل صالح و برزخ العمل سوتی دهد.

قتال در درو شدن مومنین با ویران کردن است تا موانع

حادی شدن دین الهی بر طرف نشود. در زیر حاکمیت اقصی زاعم شود.



در این کتاب  
در این کتاب

۱- برای زرع صد بسیل الهی انبیاء می شود.

۲- تنال کره عمل صاع یعنی شایسته سازی مابعد زرع فساد است

۳- تنال می تواند باشد شش ن زد زهره را باشد. مادر و فرزند

تنال می کنیم در آن عمره حاضر باشیم جان به هم

✓ ۴۴ تنهائی یاری خداوند (یاری این خدا رسول خدا) ← از نعت خدا برسد <sup>و</sup>

✓ ۴۵ بر نفس خاخر در کار نبرد، از ولایت الهی بپایند <sup>بنات هم</sup>

گفتندی و جوانی در عمل خود نبرد ← <sup>و درش</sup> <sup>تبر</sup> از نبرد است

✓ ۴۶ در میدان نبرد، گاه درها بر اساس گت های الهی و نیات واضح عمل کنند

و هرگز از هوای نفس نسیبت نمی کنند | <sup>از</sup> <sup>عمل</sup> <sup>سود</sup>

۷ کارزار در سرداسا برای نهم و آثار کلمه تو صدایت ← رزانشناسی رسول هر بندگی شود

۸ کارزار طاعت فدا همراه با توبی خوردن (ادعای اوست)

اطاعت فدا رسول

که زد در آن صدات دارد.

۹ کارزار رعم و طنواد. انگیزش برای زردای مادی که حول ولایت رسول خدا

۱۰ عدم سستی و عدم لغات دوماه آمدن در میدان نبرد

۱۱ کاهنزارا گم در تیردن ایجا ل شود، دلی زندگی دنیا را فریادی و سرگرمی دانند.

منافع دنیایی / لذت‌ها / شهوات

عادت → عیب : بازی با اعتبار و مرد بودن (عادت)

لذت‌ها / عیب → سرگرمی و لذت‌جویی

✓ ۱۲ مجاهد میدان نبرد باید نیت به اتقان، نخل نه داشته باشد.

باید بر ارضی بتواند خورنده کند.

باشد  
اما لونه

[ انتظار است که مجاهد برای نه کردن سپه آن بوی که دلرد،

\* رین صد اصح سیار کا به تنال مانه ارد، صدها - بر ارضی نرم اگری را مگر سن خاندن